



۲۰۲۲/۰۵/۱۲



میر عبدالواحد سادات

## تصمیم ضد کرامت انسانی و خلاف ارزشهای دینی، قانونی، ملی و تاریخی

ز من بر صوفی و ملا سلامی

که پیغام خدا گفتند ما را

ولی تأویل شان در حیرت انداخت

خدا و جبرئیل و مصطفی را

علامه اقبال

افغانستان که از قبل با بحرانات بزرگ مواجه بود، در نه ماه تسلط طالبان، در خطر نابودی قرار گرفته است. بحرانات و خطرات آتی هست و بود افغانستان را تهدید مینماید:

-بحران بزرگ حقوقی

-بحران مشروعیت

-فقدان دولت مشروع ملی

-فقدان قانون اساسی

-عدم استمرار قوانین

-فاجعه بشری

-سقوط اقتصادی

-فقر گسترده

-لشکر بیکاران و سیل مهاجران و بیجا شدگان

-وقوع جنگ داخلی، نیابتی و سوریه سازی

-گسترش حملات تروریستی

طالبان با گذشت نه ماه نتوانستند دولت را تشکیل دهند و حاجت به هیچ استخاره ندارد ، که کشور بدون دولت و قانون بر اساس پلان دشمنان تاریخی افغانستان به باتلاق مبدل میگردد .

بدینرو:

بر اساس تمام ارزشهای انسانی ، دینی و دنیایی ، نجات افغانستان و مردم مظلوم ان باید در سرخط وظایف اساسی قرار داشته باشد.

بی نیاز از اثبات است که بر اساس ارشاد قرآنی و تمام ارزشهای جهانی و اعلامیه جهانی حقوق بشر حق حیات اولی ترین و مقدم ترین حق انسان پنداشته می شود ، چنانچه پیغمبر بزرگ اسلام حرمت جان و خون انسان و مسلمان را بالاتر از خانه کعبه خوانده است.

مکلفیت اولی حاکمان مواظبت و پاسداری از همین حق انسان می باشد.

فقر در یک جامعه بر طبق تمام ارزشهای دینی و دنیوی بزرگترین آفت و طاعون تباه کن شناخته شده است و پیغمبر بزرگ اسلام آنرا " دروازه کفر " خوانده است.

اکنون مردم حق دارند از طالبان بپرسند که:

شما پیرو کدام دین و آیین هستید که به عوض بستن " دروازه کفر " و دفاع از حق حیات مردم به ریش و حجاب شان چسبیده اید ؟

و بقول حضرت مولانا به " پوست " مصروف گردیده اید !

در کشوری که زن مظلوم از نهایت فقر طفل خود را میفروشد ، تا سایر فرزندان یتیم خود را نان بدهد ، برای خرید چادری باید فرزند دیگر خود را نیز بفروشد تا فرمان تیکه داران « دین » را تطبیق نماید.

مسلمانان ، مسلمانان ، مسلمانان ، مسلمانان

ازین آیین بی دینان پشیمانی ، پشیمانی

حضرت سنایی

هر کسیکه با حد اقل مبادی دین اسلام آشنایی داشته باشد، بخوبی میدانند که:

حجاب در ردیف اصول دین قرار ندارد و چه بسا که رعایت و تطبیق ان نیز مورد توافق و اجماع فقها و مجتهدان معروف قرار ندارد.

قدر مسلم این است که برخورد طالبان با زنان و شهکار شان در مورد حجاب با نصوص قرآن کریم و تاریخ هزار و چهار صد سال تاریخ اسلام مغایرت کامل دارد و ناقض تمام ارزشهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای ناشی از ان است که افغانستان با آن الحاق نموده و ملزم بر رعایت آن می باشد.

موضوع زمانی در مغایرت تام با ارشادات دینی قرار میگیرد که رعایت « حجاب » را جبری ساخته اند و با خلط مباحث اخلاقی و حقوقی برای یک امر اخلاقی، « فرمان » و تعزیر وضع نموده اند.

جوهر دین اسلام در ارشاد قرآنی " لا اکراه فی الدین " بیان گردیده است.

از « شوخی » های تاریخ است که مردم مظلوم افغانستان با سیطره طالبان از شر « دکاندان دین » ( دین فروشان ) خلاص شدند و اکنون طالبان دین شانرا به گروگان گرفته اند:

فاعتبروا یا أولی الأبصار !

طالبان برداشت قشری ، متحجرانه و ایدیولوژیک شانرا که منبعث از اندیشه دیوبندی پاکستان است ، بنام دین محمدی بر افغانستان و مردم به عزا نشسته ان تحمیل مینمایند:

دین ترا در پی آرایشند

در پی آرایش و ویرایشند

بس که بیستند بر او برگ و ساز

گر تو ببینی شناسیش باز

حضرت نظامی

از بخت بد ، در سرزمین که طی بیشتر از هزار سال مهد بزرگترین شخصیت های تاریخ اسلام است و زادگاه امام اعظم ، ذکریای رازی ، ابن سینا ، علی شیرنوازی ، پیر روشن و ... سید جمال الدین افغانی و عرفای بزرگ همانند ، حضرت مولانا ، حضرت جامی و ... است ، اکنون چند ملایی کم سواد و انهم از نام وزارتیکه وجود آن در احوال کنونی قرن ( ۲۱ ) مجوز دینی و قانونی ندارد ، مقدرات مردم را رقم میزنند و حجاب را برای بیشتر از نیم نفوس جامعه جبری میسازند.

با یک مرور به متن « فرمان » ، خواننده بزودی متوجه می شودکه تسوید کنندگان با مبادی حقوق بیگانه اند و در غیر ان چگونه زنان را در ردیف محجوران ، عذیم الاهلیت ، سفیه و مجنون قرار میدهند و مضحک تر آنکه « ولی » را مستوجب جزا دانسته اند.

چنین امر و نهی زن ستیز و دشمنی با مدنیت ، افغانستان را به بدویت سوق مینماید .

عدم آشنایی اقایان با تاریخ ملی درین « فرمان » از کفر ابلیس روشن تر است ، میراث مذموم استعمار انگلیس « چادری » را که از هندوستان و سرزمین کنونی پاکستان بکشور ما آورده شده است ، تکریم و عنعنه قرون افغانان قلمداد نموده اند.

ذهنیت تکفیری و متحجر باعث گردیده است تا تسویدکنندگان «فرمان» و اولیای امور اداره طالبان همچون بسیاری مسایل مربوط بسرنوشت مردم حقایق جاری و تاریخی را فقط با عینک تنگ ایدیولوژیک ببینند . در غیر ان چگونه در کشوریکه مادر زبان دری رابعه بلخی است و در سرتاسر تاریخ شیرزنان شجاع همانند نازوانا ، زرغونه انا و دها شخصیت دیگر همراه و همگام با مردان در ساختن تاریخ کشور سهم درخشان دارند و در صد سال اخیر در سیاست ، جامعه و دولت نقش بزرگ ایفا نموده اند ، چنین توهین را بحق مادران و خواهران شان روا میداشتند و اپارتاید جنسیتی را بر بیشتر از نصف نفوس افغانستان تحمیل مینمودند.

بار اصلی جنگ چهل و شش سال اخیر را زنان متحمل گردیده اند و همین اکنون زنان با کمال شجاعت سرپرستی هزاران فامیل شهدا را عهده دار می باشند.

سهم زنان در اقتصاد کشور چنان برجسته است که بدون سهمگیری فعال آنان جلوگیری از سقوط اقتصادی ممکن نمیگردد.

میرهن است که اتخاذ چنین تصامیم خلاف عقلانیت سیاسی ، انزوای بین المللی افغانستان را تشدید و کاهش کمک های جهانی را در قبال دارد ، که متأسفانه کفارہ انرا مظلومترین خلق خدا میپردازند .

طالبان بدون درس از تاریخ افغانستان را باز هم قربانی سلیقه خاص ایدئولوژیک خود میسازند و کشور را در معرض اغراض شوم دشمنان تاریخی ما قرار میدهند.

حل و فصل مجموع مسایل و مصایب جانکاه افغانستان در گرو ، رعایت حقوق و آزادی مشروع زنان است.

اعتراض گسترده مدنی بر علیه تصامیم سلب کننده حقوق و آزادی مشروع زنان رسالت انسانی هر افغان آگاه و دلسوز بوطن و هر انسان با احساس می باشد.

دفاع از حقوق حقه و آزادیهای مشروع زنان افغانستان ، داعیه بزرگ ملی مردم ما است .

جامعه بین المللی و سازمان ملل متحد در قبال غضب حقوق زنان افغانستان باید به سیاست های کجدار و مریز شان پایان داده و ازین داعیه مشروع و برحق مطابق به ارزش های جهانی مندرج در میثاقهای جهانی دفاع نمایند .

با حرمت



برای مطالب دیگر میر عبدالواحد سادات روی عکس کلیک کنید